

گزارش

آزمون‌های ضد کرونا

فرهیختگان این روزها در شدیدترین حالت این موقعیت هستیم؛ «اگر شما هم فهمیدید، ما هم فهمیدیم چی شد.» کافی است کمی اخبار مربوط به برگزاری آزمون‌های مختلف را پیگیری کنید. داوطلبان کنکور سراسری، داوطلبان کنکور ارشد، داوطلبان آزمون وکالت، داوطلبان آزمون دستیاری پزشکی و... خودشان هم گیج شده‌اند که کدام آزمون‌ها برگزار می‌شود و کدام نه! انگار یک تنگ قرعه‌کشی گذاشته‌اند وسط و به صورت قرعه‌هر کدام که از تنگ خارج شد، آن را حضوری می‌کنند. چون هیچ جوره نمی‌توان رفتار متناقض مراجع تصمیم‌گیرنده، سازمان سنجش، وزارتخانه‌ها و... را در بحث برگزاری یا عدم برگزاری آزمون‌ها توجیه کرد و برای آن استدلال تراشید. اظهارات مسئولان را هم که مرور می‌کنیم، وضعیت به همین شکل است. هیچ دلیل محکمه‌پسندی ارائه نمی‌شود. خلاصه اینکه هیچ‌جوره نفهمیدیم با چه متر و معیاری، با چه تعداد مبتلا و جان‌باخته‌ای بر اثر کرونا، با چه وضعیتی یک آزمون لغو می‌شود یا به تأخیر می‌افتد، اما آن یکی نه! این مساله را هم می‌توان به تبعیض ربط داد، هم به بی‌برنامگی و سهل‌انگاری که انتخاب ما این‌بار دومی است.

تعداد مبتلایان به کرونا روزبه‌روز درحال افزایش است، موارد مرگ‌ومیر هم که به لطف کندی و عقب‌افتادگی در روند واکسیناسیون، مدام افزایش می‌یابد، ورود به پیک پنجم کرونا هم که رسماً اعلام شد، سشوش غالب کشور هم که کرونای هندی به‌نظر می‌رسد؛ همان کرونای جهش‌یافته‌ای که مینو محرز عضو کمیته علمی ستاد ملی مقابله با کرونا آن را وحشی خطاب کرد. آن وقت، یکی‌یکی در شرایطی که در اخبار از منع رفت‌وآمد، منع تجمع و رعایت فاصله‌گذاری می‌خوانیم؛ آزمون‌ها با جمعیت‌های میلیونی و چنصد و چند هزار نفری درحال برگزاری است. البته نه همه، آن‌هم به‌دلیلی که نمی‌دانیم.

اگر داوطلبان نمی‌گیرند، اگر رویه همان رویه ایمنی جمعی است، اگر جان جوان‌ها و داوطلبان مهم نیست، اگر نفعی برای کسی در این بین تعریف و تعبیه شده و خیلی دیگر از این موضوعات، خب اعلام کنند بدانیم و بفهمیم ماجرا از کجا آب می‌خورد.

آزمون کارشناسی ارشد ناپیوسته سال ۱۴۰۰، کنکور کارشناسی ارشد پزشکی ۱۴۰۰، آزمون کارآموزی وکالت و آزمون زبان انگلیسی عمومی وزارت بهداشت MHLF (دوره ۶۱)... آزمون‌هایی هستند که همین‌اواخر همگی لغو شدند یا به تأخیر افتادند، علت هم که مشخصاً شیوع کرونا و جلوگیری از ابتلای داوطلبان به این ویروس و حفظ جان و سلامتی آنها عنوان می‌شود، اما آزمون سراسری سال ۱۴۰۰، آزمون دستیاری پزشکی و... آزمون‌هایی هستند که برگزار شدند یا قرار است برگزار شوند. مثلاً در ارتباط با همین آزمون دستیاری پزشکی، تعدادی از داوطلبان با ارسال نامه‌ای به استاندار تهران و رئیس دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی که مسئولیت فرماندهی ستاد ملی مقابله با کرونا در استان تهران را برعهده دارد، نسبت به برگزاری این آزمون در روز جمعه ۱۸ تیر همزمان با شیوع پیک پنجم کرونا و مقاومت وزارت بهداشت درخصوص لغو این آزمون اعتراض کردند و خواستار لغواین آزمون شدند. آنها در این نامه نوشتند: «اکنون که در پیک پنجم بیماری کروناویروس هستیم، طبق اعلام ستاد ملی مبارزه با کرونا برگزاری آزمون‌های حضوری در وضعیت قرمز ممنوع است، اما در اقدامی عجیب معاونت آموزشی وزارت بهداشت سعی در برگزاری آزمون ارتقای دستیاران تخصصی در تاریخ ۱۸ تیرماه هستند. انتظار می‌رود در وزارتخانه‌ای که متولی تأمین سلامت جامعه است، سلامت دستیاران تخصصی را حائز اهمیت سلامت دانسته و آنها را فدای چنین تصمیماتی نکنند. می‌دانیم به علت قرمز شدن شهر تهران بسیاری از آزمون‌ها مانند آزمون زبان و آزمون دانشگاه آزاد کنسل و حتی بازار نیز تعطیل شده است؛ چرا که سلامتی مردم از کاسی کردن آنان برای مسئولان مهم‌تر بوده است.

اما وزیر بهداشت و معاون آموزشی این وزارتخانه اصرار دارند صبح جمعه در شهر قرمز تهران، پزشکانی را که دمخور می‌رضان کرونایی بوده‌اند و دستیارانی که تعداد تقریباً زیادی از آنها یا در حین دریافت نکرده‌اند (زیرا اختیاری بوده است) یا دوز دوم واکسن به آنها نرسیده است، در یک جاجمع کرده و آزمون برگزار کنند. بسیاری از داوطلبان فوق‌مداران باردار و وشیرده بودند که به هیچ‌عنوان واکسن دریافت نکرده‌اند، بی‌گمان برگزاری این آزمون موجب شیوع بیشتر بیماری و تأثیرات منفی برای خانواده‌های پزشکان خواهد شد. «اما واکنش سعید هاشمی‌نظری، رئیس مرکز سنجش آموزش وزارت بهداشت به این نامه این بود: «این آزمون به هیچ‌عنوان لغو نخواهد شد. بالای ۸۰ درصد داوطلبان این آزمون واکسن کرونا و ویروس دریافت کردند، بنابراین به عقوفت کرونا مبتلانی‌شوند. داوطلبان آزمون فوق دستیارانی هستند که همیشه در محیط بیمارستانی حضور دارند، بنابراین حضور آنها در مراکز آزمون خطری را متوجه آنها نخواهد کرد؛ چرا که بیماری در این محیط وجود ندارد. اگر قرار باشد خطری انظرث ویروس کرونا داوطلبان آزمون ارتقا و گواهینامه تخصصی را تهدید کند، در محیط بیمارستان که حضور دارند بیشتر آنها را در معرض ویروس قرار می‌دهد تا محیط آزمون. بنابراین این آزمون ریسک‌افزوده‌ای برای آنها ایجاد نخواهد کرد و در تاریخ مقرر برگزار می‌شود.» خب این ادعا خیلی استدلال محکمی ندارد و حتی اگر همین را هم بپذیریم، چرا آزمون سراسری برگزار شد؟ دانش آموزشی که در خانه بودند هم در ریسک ابتلا قرار داشتند، حوزه برگزاری ایمن‌تر بود یا واکسن دریافت کرده بودند؟



تجمع کارنامه‌سبزه‌ها مقابل وزارت آموزش و پرورش وارد هفته دوم شد

عاقبت بحران چندمرجعی در استخدام معلمان

دارند. اینکه چقدر مطالبات‌شان بحق است یا نه در ادامه اشاره خواهیم کرد. اما اصل این تجمع آن‌هم در شرایط کرونایی و ورود به پیک پنجم کرونا و این شرایط اقتصادی اجتماعی، جای تأمل و نگرانی‌های جدی دارد. نمی‌شود به‌هر دلیلی هفت‌شبهانه‌روز عده‌ای اکثرهم جوان، این‌طور عمر و جوانی خود را صرف مطالبه‌ای کنند و هیچ‌جای این مملکت هم تکلیف را یک‌سره نکنند. اگر مطالبه بحق است که کاری شود و زودتر مشکل حل شود. اگر هم که بحق نیست، جوری بساط این تجمع و تحصن را جمع

آموزش و پرورش به بنگاه کاریابی تبدیل شده است

در ارتباط با این ماجرا و وصف بربرسی جزئیات‌اما با حجت‌الله بنیادی، عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان و از کارشناسان آموزشی کشور گفت‌وگویی انجام دادیم. به‌هر حال این افراد تمایل به ورود به وزارت آموزش و پرورش و امکان معلمی را دارند. این فضا هم شرایط و اقتضات خود را دارد و از طرفی باید یک شرحی بر چرایی و چگونگی جذب وزارت آموزش و پرورش هم داشته باشیم. بنیادی ناظر به همین مسائل به «فرهیختگان» گفت: «تحصن‌کنندگان و معترضان عده بیشتری بودند، تقریباً دو سه برابر تعدادی که الان مدعی استخدام هستند، بودند و برای مصاحبه هم دعوت شدند منتها در این مصاحبه حد نصاب مصاحبه‌را کسب نکردند یا برخی به دلایل دیگر در گزینش رد شدند. برای پذیرش و ورود به حرفه معلمی دو شرط وجود دارد؛ یک شرط قبولی در آزمون استخدامی و علمی است که سازمان امور استخدامی می‌گیرد و آنها در این آزمون قبول شدند. برای مصاحبه هم دعوت شدند. در برگزاری مصاحبه عده‌ای از اینها به تناسب رشته و نیاز و ظرفیت پذیرش شدند و در فرآیند گذراندن دوره یک‌ساله رفته‌اند. یک‌عده دیگر که مدعی کارنامه‌سبزه هستند پذیرش نشدند، یعنی حد نصاب مصاحبه‌را کسب نکردند. حرف اینها این است که آموزش و پرورش آزمون استخدامی برگزار نکند و چون نمره آزمون علمی را داریم در واقع تعیین تکلیف می‌شود و یک‌بار دیگر از ما مصاحبه گرفته شود، یک‌بار دیگر به نوعی حق مصاحبه را برای خود قائل هستند. این یک خواسته فراتر از حق است. اگر حق است یک‌بار آزمون دادید و یک‌بار هم مصاحبه شدید، یعنی یک‌بار این فرآیند استخدام را طی کردید و پذیرفته نشدید. آموزش و پرورش نیاز دارد و نیاز آن بسیار قابل توجه است، بنیاد آزمون استخدامی دیگری برگزار کند. اگر در این آزمون استخدامی توانستید حد نصاب علمی و حد نصاب مصاحبه‌را کسب کنید در فرآیند استخدامی وارد می‌شوید. ولی اینکه بگوییم آموزش و پرورش یک آزمون علمی برگزار کرد، دیگر آزمون علمی برگزار نکند و آنقدر این مصاحبه را تکرار کند تا تمام کسانی که در آزمون علمی قبول شدند استخدام شوند غیرمنطقی و خواسته زیادی است. رنگ کارنامه‌ای که به این افراد داده می‌شود نه سبزه است و نه کارنامه‌ای به این شکل در کار است. این جزء ابداعات این افراد است. شاید مساله اصلی این است که آموزش و پرورش بحث آموزش شفافی برای جذب و تأمین شایسته‌ترین افراد را طراحی نکرده است، هر کسی به هر شکلی مطالبه استخدام را دارد. از سویی کمبود قابل توجهی در استخدام معلم داریم، ظرفیت اندک دوره چهارساله را داریم. یک‌سری آدم متقاضی شغل که تنها راه ورود و دستیابی به شغل حداقلی و معیشت نسبی ورود به آموزش و پرورش و استخدام به‌عنوان معلم است. به نوعی یک نگاه بنگاه کاریابی صرف برای ورود به آموزش و پرورش دارند، نه نگاه اینکه آینده بچه‌های این کشور در گروی استخدام بچه‌های شایسته است و باید سازوکاری فراهم کنیم، رقابت‌یاد به حدی فشرده و سنگین باشد که شایسته‌ترین افراد را هم از نظر علمی و هم از نظر مهارت‌های دیگری که در آزمون علمی سنجیده نمی‌شود جذب کنیم و دوره استخدامی برای آنها برگزار کنیم.»

باید یک سازوکار عادلانه و شایسته‌سالار تدوین شود

این کارشناس آموزشی ادامه داد: «لازمه این چشم‌انداز این است که اختلاف‌نظر درباره محاسبه نیروی انسانی که بین سازمان اداری و استخدامی و آموزش و پرورش وجود دارد حل شود. دوستان سازمان اداری و استخدامی باور دارند که آموزش و پرورش کمبود نیرو ندارد. اگر هم کمبود نیرو دارد در حد اندازهای که اعلام می‌کنند، نیست. از سوی دیگر آموزش و پرورش می‌گوید ۲۳۰ هزار معلمی که کم داریم برای حفظ تراکم موجود است و اگر بخواهم وضعیت را به استاندارد نزدیک کنم قریب ۴۰۰ هزار معلم کم داریم و استخدام این تعداد معلم عدد بزرگی است، یعنی نصف کارکنان موجود است. یک پایه برای روشن کردن چشم‌انداز این است که چارچوب محاسبه نیاز کدام چارچوب است؟ کجا مصوب کرده است؟ همه سازمان‌های وابسته به دولت علوم از این چارچوب تبعیت کنند. سازمان برنامه و بودجه بر مبنای آن بودجه بدهد، سازمان اداری و استخدامی ردیف استخدامی بدهد، وزارتخانه‌های علوم و آموزش و پرورش ظرفیت دانشگاهی ایجاد کنند. این یک راهبرد کلان برای بحث تأمین نیروی انسانی است. افراد دیگری هستند که تحصن می‌کنند که ما کارنامه‌سبزه هستیم، یک‌سری افراد می‌گویند خرید خدمات هستیم، یک‌سری می‌گویند آموزش‌شمار نهضت هستیم. هر یک به نوعی خود را صاحب حق می‌دانند. اینها شاید گفته درستی داشته باشند ولی مساله مهم‌تر این است که هر کسی به شکل موقت و ناصحیح چند سال کار کرد، ممکن است در بلندمدت شایستگی معلم شدن را نداشته باشد. باید سازوکار عادلانه‌ای که به حق این افراد توجه شود طراحی شود که کسانی که شایستگی معلمی را دارند را استخدام کنیم، یعنی ۲۰۰ هزار معلمی که کم داریم را بگوییم حق داریم مطالبه استخدام داشته باشیم و ما هم این کار را انجام می‌دهیم، ولی مساله این است کسی که شایستگی معلم شدن دارد باید بیاید. فرصت هم می‌دهیم، اگر کسی در این آزمون نمره خود را بنویسد دوره می‌گذاریم یا خودشان دوره طی کنند. آن مهارت‌ها و شایستگی‌های معلمی را اگر کسب کردید استخدام می‌شوید ولی استخدام این افراد بدون احراز شایستگی‌های معلمی یک خیانت بزرگ به آینده کشور است. درحالی که باید حق این آدم‌ها را محفوظ دانست، چون چند سال کار کرده‌اند و به نوعی این حق برای آنها ایجاد شده است ولی در عین حال باید به شکلی باشد که آینده یک میلیون دانش‌آموز را تأمین کند. اگر ۲۰۰ هزار نفر باشند ضرب در ۲۰ دانش‌آموز کنیم قریب چهار میلیون دانش‌آموز می‌شود و ضرب در ۳۰ سال کنید عدد بزرگی می‌شود. آینده این تعداد دانش‌آموز را نباید فدای استخدام یک‌سری افراد کنیم که شایستگی معلمی ندارند. پس بخش دوم مساله این است که آدم‌هایی که مطالبه حق و حقوق دارند به شکل منطقی و درست و در فرآیند یکی، دو ساله انتخاب کنیم و مساله استخدام را حل کنیم. از سال ۱۴۰۲ به بعد آموزش و پرورش به هیچ‌عنوان کمبود نیرو ندارد. نیرویی که برای ۱۴۰۲ می‌خواهد چهار سال قبل دانشگاه برده و تربیت کرده و ردیف استخدامی را گرفته است و مهر ۱۴۰۲ وارد کلاس درس می‌شود. حتی کلاس آن هم معلوم است ولی تا زمانی که آن چشم‌انداز روشن نشود و از این سونپروها را به شکل موقت به کار بگیریم، موقت به کار گرفتن مطالبه استخدامی ایجاد می‌کند، این هم به معنای تحصن جلوی مجلس و وزارتخانه است و این مطالبات به معنای صدور مجوز توسط مجلس است. چون مجلس نمی‌تواند بپذیرد یک‌سری آدم پنج، شش سال مطالبه کنند و آموزش و پرورش جایگزین اینها نیرو تأمین نکند، یعنی شاید یکی از مسائل مهم این است که می‌گویید اگر آموزش و پرورش نیاز نداشت چرا من را پنج‌سال به کار گرفت و اگر شایسته نیستم چرا پنج‌سال کار کردم؟ اگر موقت به کار می‌گیرد ۶ ماه تا یک سال است. بگوییم من موقت شما را نیاز داشتیم قرارداد موقت بود و بعد از یک سال نیروی شایسته‌تر از شما را به کار گرفتیم و این غائله تمام می‌شود. کمبود نیرو داریم و به شکل موقت هم به کار می‌گیریم ولی اگر این موقت هر سال تکرار شود معضل بزرگی است.»

ماجرای از چه قرار است؟

و نیاز به بخشنامه و مصوبه جدید نیز ندارد، چنانچه امسال هم شرایط حد کرونایی و هم نیاز شدید آموزش و پرورش به ۲۲۰ هزار نیرو را داریم. کمالینکه آموزش و پرورش برای سونامی بحران نیروهایش دست‌به‌استثمار بازنشستگان زده است و آنها را به اجبار نگه داشته و به استخدام نیروهای غیردولتی رو آورده است.» یکی از تجمع‌کنندگان هم به این رسانه گفته است: «من دانشجوی دکترا هستم و گواهی صلاحیت حرفه‌ای ام را از تربیت‌مدرس گرفته‌ام و مقاله و تالیف هم دارم. با درصد تخصصی ۶۱ درصد کارنامه‌سبزه شدم. هر ساله نیم‌میلیون نفر در آزمون استخدامی آموزش و پرورش شرکت می‌کنند. سال ۹۹ در شرایط کرونایی ما آزمون دادیم و بعد از مصاحبه ۱۷ هزار نفر جذب نشدند، یعنی ظرفیت تکمیل شد و قانون هم می‌گوید تا دوسال می‌توانیم جذب شویم. اینها درحالی است که در سال ۹۹ تخلفات آشکاری در گزینش هابود. مثلاً به هر دلیل فرد تیک مربوط به بومی بودن را زده و ۲۰ نمره بیشتر کسب کرده و بعد هم با استشهاد تقلبی آن امتیاز را جذب کرده و هیچ راستی‌آزمایی هم صورت نگرفته است. الان که آموزش و پرورش کمبود نیرو دارد حرف ما این است که چرا از کارنامه‌سبزه‌ها استفاده نمی‌کند که همه‌شان فارغ‌التحصیلان ممتاز دیگر دانشگاه‌ها هستند.» این اظهارات اما یک مشکل و موضوع دیگر را هم پررنگ کرد و آن هم شبیه در بخش مصاحبه آزمون استخدامی! بود. نمی‌توان در این‌باره اظهار نظر کرد و آن را رد یا تأیید کرد، منتها انتظار این است که مراجع متولی و نظارتی به این مساله رسیدگی کنند. اما ساده‌ترین و به نظر من مطالبه‌ای که می‌توان بی‌هیچ حرف پس و پیش آن را بحق دانست مطالبه توجه و پاسخگویی مسئولان وزارت آموزش و پرورش و در رأس آنها محسن حاجی‌میرزایی وزیر آموزش و پرورش است. این افراد بیش از یک هفته است جلوی وزارت آموزش و پرورش تحصن کرده‌اند، شب‌ها آنجا می‌خوابند و از صبح علی‌الطول اعتراضات‌شان را شروع می‌کنند، اما هیچ اشاره‌ای نه از سوی وزیر نه از سوی خیلی از مسئولان وزارت آموزش و پرورش در ارتباط با آنها صورت نمی‌گیرد. چرا؟ نمی‌دانیم! فقط این را دوباره تکرار می‌کنم در این شرایط کرونایی و آغاز موج پنجم کرونا، در این گرمای طاقت‌فرسا و مشکلات عجیب و غریب، نه روااست و نه عادی که این تعداد آدم در خیابان و جلوی یک وزارتخانه تحصن کنند.

ماجرای از این قرار است که یک هفته‌ای، تعداد زیادی از افرادی که در آزمون استخدامی سال ۹۹ شرکت کردند و نمره حد نصاب را کسب کرده‌اند و اصطلاحاً کارنامه‌شان سبزه شده است به دلیل عدم جذب در آموزش و پرورش مقابل این وزارتخانه در خیابان قرنی تحصن کرده‌اند و شبانه‌روز آنجا هستند. به گفته این افراد علت عدم پذیرش آنها ظرفیت کم وزارت آموزش و پرورش در جذب نیرو است. نکته اینجاست که خود وزارتخانه سال‌هاست از مساله کمبود نیرو جز می‌کشد و برای آن مشکل ساز شده است، منتها سازمان امور استخدامی ظرفیت را تعیین می‌کند و وزارتخانه طبق قانون دخل و تصرفی در این مساله ندارد. به‌طوری که براساس آمار حدود ۶۰ هزار نفر سالانه از مجموعه آموزش و پرورش بازنشسته می‌شوند و سازمان امور استخدامی صرفاً نمی‌تواند این میزان را اجازه پذیرش می‌دهد و این یعنی زخم کمبود نیرو هرسال عمیق‌تر می‌شود و کمبودها جریان نمی‌شوند. همین موضوع یکی دیگر از مواردی است که مطالبه کنندگان و این کارنامه‌سبزه‌ها به آن استناد می‌کنند و می‌خواهند به بهانه این کمبود شدید، هرطوری که شده جذب آموزش و پرورش شوند و این کمبود از این مسیر جبران نشود. این مطالبه کنندگان موسوم به کارنامه‌سبزه‌ها فارغ‌التحصیلان برتر دانشگاهی یا مدارک کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری متقاضی ورود به وزارت آموزش و پرورش از طریق ماده ۲۸ در سال ۹۹ هستند که این روزها حسابی خیابان قرنی را ارق کرده‌اند. حرف‌شان را هم باز تکرار می‌کنیم؛ آنها مدعی هستند چون امتیاز لازم در آزمون استخدامی را کسب کرده‌اند و از لحاظ علمی و سازمان سنجش پذیرفته قلمداد می‌شوند و مصاحبه و معاینات پزشکی را هم از سر گذرانده‌اند، به هر شکل جذب شوند و مانعی سر راه‌شان نباشد. آنها شرایط حاکم بر بومی‌گزینی و جعل مدرک بومی، عدم رعایت ماده ۱۰ (انتخاب چند کدمحل) ماده ۲۴ دستورالعمل برگزاری آزمون استخدامی دستگاه‌های اجرایی، ضعف در مصاحبه‌ها، عدم تکمیل و پرکردن ۳۳ هزار ردیف خالی نیروی استخدامی که هم اکنون وجود دارد را عوامل اصلی مشکلات پیش آمده و عدم جذب خودشان در وزارت آموزش و پرورش می‌دانند. به نوشته مهر آنها می‌گویند: «ما ده ۲۴ تبصره یک می‌گویید: «به کارگیری کارنامه‌سبزه‌ها در صورت نیاز و در شرایط بحران هیچ منع قانونی نداشته

چندمرجعی بودن تصمیمات؛ بلای جان آموزش و پرورش

بنیادی اما در ادامه به سراغ ایرادات موجود در زمینه جذب معلم در نظام آموزشی کشور رفت و گفت: «در مساله جذب آموزش و پرورش، خود وزارت آموزش و پرورش و مجلس و هر نهاد دیگری که می‌خواهد ورود پیدا کند یا ورود پیدا کرده باید دو راهبر در مدنظر داشته باشند. هرچند این چندمرجعی بزرگ‌ترین بلای جان آموزش و پرورش است؛ هم در حیطه جذب منابع انسانی و هم در حیطه محتوای درسی و هم در حیطه برگزاری کنکور و مسائل دیگر اینچنینی است. شورای عالی انقلاب فرهنگی یک مصوبه می‌گذراند، شورای عالی آموزش و پرورش مصوبه دیگری دارد، مجلس مصوبه دیگری دارد و هیات دولت مصوبه دیگری دارد؛ این چندمرجعی بودن نهادهای تصمیم‌گیر بزرگ‌ترین بلای جان آموزش و پرورش است. برخی از این نهادهای خود را سیاستگذار می‌دانند و برخی خط‌مشی‌گذار می‌دانند و برخی قانونگذار می‌دانند و هیچ شفافیتی در این زمینه وجود ندارد. پس اگر این حل نشود تکلیف آموزش و پرورش مشخص نیست و هر وزیر هم بیاید بسته به این است که بیشتر به چه سمتی گرایش دارد. برخی در هیات دولت و برخی شورای عالی انقلاب فرهنگی و برخی شورای عالی آموزش و پرورش و... پیگیری می‌کنند. این نابسامانی وضعیت منابع انسانی آموزش و پرورش محصول این چندمرجعی است. اولین مساله‌ای که باید حل شود این است. اگر فرض کنیم یکی از این مراجع بخواهند ورود کنند، مثلاً مجلس یا شورای عالی انقلاب فرهنگی... که به نظر من تنها مرجع قانونی برای این کار مجلس است و هیچ یک از نهادهای دیگر صلاحیت طبق قانون اساسی ندارند، گام اول این است که چشم‌انداز و مسیر جذب نیروی انسانی را به وضوح مشخص کنند یعنی بگویند ما ۲۲۴ هزار برای مهر ۱۴۰۰ نیاز داریم. امسال این تعداد خرید خدمات شده یا استخدام آموزش‌شمار تأمین کنیم. از مهر ۱۴۰۰ چشم‌انداز ما معلوم است. حساب می‌کنیم برای مهر ۱۴۰۱ چه تعداد معلم نیاز داریم. از الان اگر نباشت برای سال آینده اینها را به کافرس فرستیم برای جذب آن از طریق دوره یک‌ساله ردیف استخدامی را می‌گیریم. سازوکار و ظرفیت تربیتی را مهیا می‌کنیم، بودجه را نیز آماده کردیم و چشم‌انداز آینده تربیت‌معلم باید مشخص باشد. الان چشم‌انداز ما روشن نیست. اینکه در دوره چهار ساله باید چه تعداد معلم جذب کنیم، چه تعداد معلم نیز باید از طریق ماده ۲۴ جذب کنیم، چه تعداد سرباز معلم و چه تعداد خرید خدمات باید جذب کنیم. این امر مشخص نیست. اگر تمام مصوبات مجلس، شورای انقلاب فرهنگی، مستندات مرکز برنامه‌ریزی نیروی انسانی را رصد کنید، هیچ چشم‌انداز روشنی ندارند.»